

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهر اسلام از نظریه تا بیانیه



انتشارات
جهاد دانشگاهی
قزوین



دانشگاه آزاد اسلامی قزوین
۱۳۷۸

سرشناسه: اسکویی، آزیتا، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور: شهر اسلامی از نظریه تا بیانیه / مولفان آزیتا اسکویی، مهدی حمزه نژاد.
مشخصات نشر: قزوین: جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، واحد قزوین، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۱۷۸ ص.: مصور، جدول.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۴۷-۰۹-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتاب حاضر با حمایت معنوی دانشگاه هنر اسلامی تبریز منتشر شده است.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۴۳ - ۱۶۳، همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: شهرها و شهرستان های اسلامی
موضوع: Islamic cities and towns
موضوع: شهرسازی -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع: Islam -- Religious aspects -- City planning
موضوع: معماری اسلامی
موضوع: Islamic architecture
موضوع: شهرها و شهرستان های اسلامی -- ایران
موضوع: Islamic cities and towns -- Iran
موضوع: شهرسازی -- ایران
موضوع: City planning -- Iran
شناسه افزوده: حمزه نژاد، مهدی، ۱۳۵۴ -
شناسه افزوده: دانشگاه هنر اسلامی تبریز
شناسه افزوده: جهاد دانشگاهی. واحد قزوین
رده بندی کنگره: HT۱۴۷
رده بندی دیویی: ۳۰۷/۷۶۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۲۵۸۸۳

عنوان: شهر اسلامی از نظریه تا بیانیه
مؤلفان: آزیتا بلالی اسکویی، مهدی حمزه نژاد
گرافیک و صفحه آرایی: مرضیه حمیدی زاده
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۴۷-۰۹-۰
چاپ: نوبت اول - ۱۳۹۸
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
بهاء: ۳۶۰۰۰۰ ریال

مصوبه شورای شعبه انتشارات جهاد دانشگاهی قزوین

ناشر: انتشارات جهاد دانشگاهی قزوین
کلیه حقوق محفوظ است ©

شہر اسلام از نظریہ تا بیانہ

مؤلفان:

آزیتا بلالی اسکوئی

مہدی حمزہ نژاد

«در یک شهر اسلامی هر پدیده‌ای به ترویج حرکت و زندگی اسلامی کمک می‌کند و نموده‌ها و نمادهای مختلف در خیابان‌ها، پارک‌ها و بوستان‌های شهر، ضمن ایجاد جاذبه، زمینه‌گرایش شهروندان به معنویات را فراهم می‌کنند... و در ساخت‌وسازهای شهری نیز باید معماری اسلامی مد نظر باشد و ساختمان‌ها به‌گونه‌ای ساخته شود که یادآور زندگی اسلامی و ایرانی باشد.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی

دیباچه

موضوع نسبت اسلام با فرآیندهای انسانی، نظیر آثار هنری، معماری و شهرسازی، علی‌رغم بدیهی بودن و حتی تجربه‌های بسیار موفق آن در طول تاریخ متأسفانه مورد نفی برخی از مؤلفین متعصب غربی و تعدادی از خودباختگان و غرب‌زدگان داخلی و خارجی قرار گرفته و علی‌رغم مستندات متنوع علمی و دلایل متواتر (عقلی و نقلی)، هنوز قرار گرفته و می‌گیرد.

بعد از پیروزی انقلاب تاریخ‌ساز اسلامی، موضوع بنیانی و تمدن‌آفرین، احیاء و تحقق هویت (اسلامی - ایرانی) در حوزه فرآیندهای انسانی نه تنها در بحث‌های نظری و مباحث آموزشی و دانشگاهی مورد نفی یا سکوت و بی‌توجهی برخی از قلم‌به‌دستان و بلندگوها قرار گرفته است، بلکه به دلیل منافع مادی ابقاری خاص اعم از ملی و دولتی و آنچه به نام مافیای (قدرت و ثروت) در حوزه خرید و فروش املاک و مالکیت زمین، ساختمان‌سازی و شهرسازی می‌شناسیم. در حوزه عمل و تجربه نیز، از نیازهای واقعی و ضروری مردم ایران و از هویت و محتوای اسلامی، دور و دورتر شده است.

دلایل چنین رویکردهای اجتماعی و تاریخی نیاز به بررسی‌های چندجانبه و عمیق دارد که در فرصت این نوشتار نیست، اما به اختصار می‌توان گفت در یک‌صدسال گذشته معماران، شهرسازان، مهندسان مشاور، مدیران و کارشناسان مربوطه ما، تحصیل‌کرده دانشگاه‌ها و نظام ستم‌شاهی و اغلب مترجم و مقلد فرهنگ و تمدن غرب بوده‌اند و اکثراً غافل از هویت (اسلامی - ایرانی) در حوزه تخصصی خود.

مدیران ما نیز در دوران دفاع مقدس و تحریم‌های همه‌جانبه خارجی، گرفتار ثروت‌اندوزان، اشراف‌منشان، سوء استفاده‌کنندگان، دلال‌صفتان و غارت‌کنندگان ثروت و هویت ملی و تاریخی بوده و هستند.

مسئولیت و رسالتی که اکنون در مقابل دانشگاهیان و مدیران ما است، تحقق راهبردهای حضرت امام (ره) در اجتناب از غرب‌زدگی و خودباختگی و رهنمودی مقام معظم رهبری است در پرهیز از رویکرد (ترجمه‌ای و تقلیدی) با توصیه به اصلاح و ارتقاء سرفصل و محتوای دروس علوم انسانی و رشته‌های میان‌دانشی نظیر معماری و شهرسازی.

نکته مهم و تحسین‌برانگیز پیشرفت‌های جمهوری اسلامی در چهل سال اول انقلاب (گام اول) در حوزه (مهندسی ساختمان) و اجرای (زیرساخت‌های شهرسازی) برای نقاط محروم در روستاها و شهرهای کوچک، نظیر جاده‌سازی‌های گسترده و تأمین آب و برق و گاز و غیره بوده است؛ اما در حوزه هنر و محتوای معماری و شهرسازی مبتنی بر (هویت اسلامی)، نیاز به اقدامات جهادی و انقلابی پژوهشگران و دانشگاهیان عزیز، بانگیزه، مؤمن و متعهد دارد، تا دو بال (مهندسی و هنر) برای

تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم شود. در تحقیقاتی که اینجانب و همکاران در حوزه نسبت اسلام با فرآیندهای انسانی، انجام داده‌ایم و به صورت سه نظریه و نوآوری در کرسی‌های نظریه‌پردازی شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد داوری و تأیید قرار گرفته است.

اثبات نموده‌ایم که از پنج مرحله در ساختار فرآیندهای انسانی یعنی مراحل (ایده، انگیزه، روش، خلق اثر و تأثیرات آن بر مخاطبین)، اسلام برای سه مرحله اول منابع و اصول دقیق و مشخصی را از طریق (راهبردهای مفهومی، راه‌کارهای عملی و راه‌حل‌های اجرائی و اجتهادی) ارائه نموده است.^۱ مهندسان و هنرمندان معمار و شهرساز می‌توانند با بهره‌برداری از (راهبردها، راه‌کارها و راه‌حل‌های) مزبور، مناسب‌ترین و مطلوب‌ترین آثار را برای انسان‌ها در شرایط موجود، طراحی و خلق نمایند.

تمدن دوران اسلامی و تجربیات تاریخی نیز این موضوع را اثبات می‌نماید یعنی هر کجا هنرمندان و دولتمردان از این اصول پیروی و تبعیت نموده‌اند چه از بُعد تأمین نسبی نیازهای مخاطبین و چه از بُعد بسترسازی نیازهای روحی و معنوی آنها موفق بوده‌اند و در آینده نیز می‌توانند باشند.

محققین و مؤلفین ارجمند و محترم سرکار خانم دکتر آریتا بلالی اسکویی در تحقیق و تألیف این کتاب سعی وافر داشته و تلاش نموده‌اند، با بهره‌برداری از نتایج تجربیات خود و دیگران، مجموعه‌ای مفید و مستند را برای دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌های معماری و شهرسازی فراهم نمایند.

زحمات ایشان و مهم‌تر از آن پایبندی و تعهد ایشان به مضامین فرهنگی و منابع و مبانی اسلامی در این حوزه تخصصی بسیار قابل تقدیر و سپاسگزاری است.

نکته بسیار مهم، در شرایط جهانی و تاریخی موجود که سلطه فرهنگ مادی‌گرا و نفسانی غرب، دچار اضمحلال درونی و فروپاشی اخلاقی و معنوی است. نیاز به مجاهداتی جمعی، تاریخی و انقلابی در جهت احیاء فرهنگ انبیاء و پیامبران الهی یعنی (فرهنگ اسلامی) و تلاش همه‌جانبه و خستگی‌ناپذیر در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی در ایران و سایر کشورهای جهان دارد.

این مسئولیت و رسالت تاریخی و جهانی، ایمانی آگاهانه و عمیق و اراده‌هایی تزلزل‌ناپذیر و استوار می‌طلبد که با وجود رهبری فرزانه، منابع و اسنادی متقن و جوانانی مؤمن و بااراده، زمینه و بستر آن روزبه‌روز فراهم‌تر می‌شود، به حول قوه الهی.

و من الله التوفیق

عبدالحمید نقره‌کار

خرداد ۱۳۹۸

۱- این مباحث در بیان سنتی، با موضوعات (اعتقادی، احکامی و اخلاقی) تبیین و تشریح شده است.

فهرست مطالب

باب اول؛ شهر اسلامی و نظریه‌ها	۱
۱- زمینه‌های فکری و تاریخی انتساب شهر به اسلام	۳
۱-۱- نظریه‌های موافق با مفهوم شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی	۸
۱-۲- نظریه‌های مخالف با مفهوم شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی	۱۳
۲- ماهیت و مفهوم شهر اسلامی	۲۶
شناخت تاریخی شهر اسلامی	۲۸
رویکردهای مرتبط با مفهوم شهر اسلامی بر اساس ایده‌های شکل‌گیری	۳۰
جمع‌بندی بخش «زمینه‌های فکری و تاریخی انتساب شهر به اسلام»	۳۲
۳- شهر از دیدگاه اسلام و قرآن	۳۴
جمع‌بندی بخش «شهر از نگاه اسلام و قرآن»	۴۵
باب دوم؛ بیانیه ارزشی شهر اسلامی	۴۷
مقدمه	۴۹
چستی برنامه‌ریزی راهبردی	۵۰
ترسیم وضعیت مطلوب	۵۱
بیانیه چشم‌انداز	۵۱
مأموریت	۵۱

۵۲	اهداف کلان و خرد
۵۲	مفهوم راهبردها و سیاست‌ها
۵۵	فرآیند تبیین بیانیه ارزشی
۵۵	بازشناخت مفهوم ارزش
۵۷	تعریف ارزش‌های شهری و انواع آن
۵۹	مراجع تدوین اصول و ارزش‌های شهراسلامی
۶۲	فرآیند دستیابی به بیانیه ارزشی شهراسلامی - ایرانی منطبق با اسناد فرادست
۶۳	سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران
۶۴	چشم‌انداز فرهنگی ایران در افق ۱۴۰۴
۶۵	اصول دین، شالوده نظری بیانیه ارزشی شهراسلامی
۶۶	اصل توحید در حوزه معارف اسلامی
۶۶	تدوین بیانیه ارزشی شهراسلامی - ایرانی
۷۱	بیانیه ارزشی شهراسلامی - ایرانی

۷۵. باب سوم؛ اصول تفصیلی شهراسلامی برگرفته از آیات و روایات

۷۷	نظام کلی آیات و روایات
۸۴	۱- اصول تفصیلی مشترک
۸۴	اصل ۱: لزوم اجتهاد پویا در حوزه معماری و شهرسازی
۸۵	اصل ۲: ثبوت قوانین اولیه اسلامی
۸۵	اصل ۳: توجه به اقتضائات زمانی در سبک‌های معماری و شهرسازی
۸۶	اصل ۴: لزوم ارتقاء مشارکت مردمی در آبادی (استعمار) شهر
۸۸	اصل ۵: لزوم توجه به سودمندی در برنامه‌ریزی و طراحی
۸۸	اصل ۶: توجه به آزادی‌های معقول و مشروع در برنامه‌ریزی و طراحی
۸۹	اصل ۷: لزوم توجه به طراحی همساز با اقلیم
۸۹	اصل ۸: نهی از سبک‌های غیرمتناسب با فرهنگ ایرانی اسلامی
۹۰	اصل ۹: لزوم تأمین فضاهای تفکرمحور
۹۰	اصل ۱۰: ضرورت توجه به همه علوم و دستاوردهای عقلانی و تجربی در معماری و شهرسازی به عنوان دستورات دینی
۹۱	اصل ۱۱: ضرورت آسان‌گیری و بازگذاشتن دست مخاطبین در ساخت‌وساز در چهارچوب اصول
۹۱	اصل ۱۲: نهی ضرر به دیگران در هر ساخت‌وساز

- اصل ۱۳: پرهیز از راه‌های فرار از قوانین و ساخت‌وسازهای با رشوه (مربوط به حوزه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری) ۹۲
- اصل ۱۴: پرهیز از لهو و لعب در مسئولیت‌پذیری و در طرح و اجرا (مربوط به طراحان و مجریان) ۹۳
- اصل ۱۵: قداست حرفه‌ها، از جمله معماری و شهرسازی ۹۳
- ۲- آیات و روایات مختص ۹۵
- ۲-۱- متون مختص به فضاهای عمومی ۹۵
- اصول تفصیلی شهر و فضاهای شهری ۹۸
- اصل ۱: رجحان شهرنشینی بر سایر انواع زندگی ۹۸
- اصل ۲: ممنوعیت نقل مکان از محیط دینی به محیط غیردینی ۹۹
- اصل ۳: توجه به شعائر در فضاهای شهری ۱۰۰
- اصل ۴: ارتقاء قابلیت نظارت همگانی بر فضاهای شهری ۱۰۱
- اصل ۵: توجه به اصل عفاف در طراحی فضاهای شهری ۱۰۱
- اصل ۶: منابع تفکر برانگیز در معماری و شهرسازی ۱۰۲
- اصل ۷: پرهیز از اشتغال و تحصیل (غیر ضروری) خارج از محیط سکونت ۱۰۳
- اصل ۸: زندگی مسالمت‌آمیز اهل کتاب با مسلمین در شهر ۱۰۴
- اصل ۹: پرهیز از اختلاط مشرکین و مسلمین در شهر ۱۰۵
- اصل ۱۰: رعایت مساوات بین شهروندان نهج‌البلاغه ۱۰۶
- اصل ۱۱: پرهیز از مزاحمت سواره بر پیاده و قوی بر ضعیف ۱۰۷
- اصل ۱۲: ضرورت صداقت‌گرایی در زیبایی‌شناسی شهری ۱۰۷
- ۳- اصول تفصیلی مساجد ۱۱۳
- اصل ۱: لزوم توجه به حریم مسجد ۱۱۳
- اصل ۲: لزوم طراحی مسجد به عنوان فضایی چند عملکردی ۱۱۴
- اصل ۳: لزوم جداسازی بانوان و آقایان در مساجد و فضاهای وابسته به آن: ۱۱۵
- اصل ۴: اصالت نماز جماعت ۱۱۶
- ۴- اصول تفصیلی فضاهای آموزشی ۱۱۸
- اصل ۱: لزوم دسترسی مناسب و آسان به عالم ۱۱۸
- اصل ۲: ضرورت شاخص بودن فضاهای علم محور ۱۱۸
- ۵- اصول تفصیلی باغ‌ها و فضاهای سبز ۱۲۰
- اصل ۱: اهمیت باغ و بوستان و لزوم تأمین سرانه مناسب آن ۱۲۰

- اصل ۲: توجه به گیاهان مُثمِر (منفعت اقتصادی) در باغ‌ها و بوستان‌ها: ۱۲۱
- ۶- اصول تفصیلی بازار و فضاهای تجاری ۱۲۳
- اصل ۱: تذکر معنوی در طراحی کالبد بازارها ۱۲۳
- اصل ۲: لزوم تعریف حداقلی نقش فراغتی برای مراکز تجاری ۱۲۳
- ۷- اصول تفصیلی سایر فضاهای عمومی ۱۲۵
- اصل ۱: شاخص نبودن فضاهای تفریحی ۱۲۵
- اصل ۲: لزوم مکان‌یابی گورستان شهر در نزدیکی بخش‌های مسکونی ۱۲۶
- ۸- اصول تفصیلی واحدهای همسایگی ۱۲۸
- اصل ۱: لزوم توجه به حقوق همسایگی ۱۲۸
- اصل ۲: مرز همسایگی ۱۲۸
- اصل ۳: لزوم تعریف فضای واسطه برای تعامل همسایگان با یکدیگر ۱۲۹
- اصل ۴: نفی شهرت کالبدی ابنیه همسایه نسبت به هم ۱۳۰
- اصل ۵: توصیه اکید به خوش رفتاری و هم‌نشینی با همسایگان ۱۳۱
- ۹- اصول تفصیلی مسکن ۱۳۵
- اصل ۱: ضرورت پرهیز از شهرت طلبی به واسطه خانه و شاخص ساختن ابنیه مسکونی ۱۳۵
- اصل ۲: نهی از تکبر و تفاخر به وسیله مسکن ۱۳۷
- اصل ۳: لزوم طراحی سکون‌آفرین ابنیه مسکونی ۱۳۸
- اصل ۴: ارجحیت تعریف فضایی مهمان‌پذیر، بدون مزاحمت برای اهالی خانه ۱۳۸
- اصل ۵: استفاده از مظاهر طبیعت ۱۳۹
- اصل ۶: ارجحیت پنجره‌های عمودی نسبت به افقی ۱۳۹
- اصل ۷: پرهیز از تجمل‌گرایی و اسراف ۱۳۹
- خاتمه ۱۴۱
- منابع ۱۴۵

مقدمه

چیستی و چگونگی «شهر» و «شهر اسلامی» در آموزه‌های اسلامی، محمل و منشأ مباحث گسترده و دنباله‌داری است که نیازمند تعمق وسیع در منابع ارائه‌کننده این آموزه‌هاست. قرآن کریم از جمله منابع اصیل و بنیادین در تشریح رویکرد اسلام به ویژگی‌های شهر مطلوب است.

بی‌تردید اصیل‌ترین و جامع‌ترین منبع معارف اسلامی، قرآن کریم است؛ اقیانوسی که انسان‌ها طی قرون و اعصار متوالی از برکات آن متنعم شده‌اند و در عین حفظ طراوت و تازگی، نقصانی در آن ایجاد نشده است.

در تاریخ اسلام و نظام معارف اسلامی، شهر دارای جایگاه و ساختار متفاوتی نسبت به سایر نگرش‌هاست. این تفاوت، از زاویه نگاه اسلام نسبت به زندگی انسان حاصل می‌شود؛ زیرا انسان در نگاه اسلامی، نه موجودی صرفاً این جهانی و مادی، بلکه موجودی چندبعدی و در حال تعالی و سیر به سوی تکامل الهی است و باید در بستری زندگی کند که بهترین و آسان‌ترین مجال برای رسیدن به این غایت فراهم شود. از این رو، زندگی دنیوی و اجتماعی مسلمانان به دلیل مقدمه بودن برای زندگی اخروی، حائز اهمیت است و باید در بستری سازگار با طبیعت و تعالی انسان شکل بگیرد تا زمینه نیل به سعادت و کمال لایق الهی برای همه اهالی در آن فراهم آید. بر این اساس، شهر در نگاه اسلامی، مکانی مناسب با جمعیت و طبیعت که اهل آن بتوانند در بستر اسلامی زندگی کنند، تعریف شده است.

بنابراین، با عنایت به اهمیت شهراسلامی و لزوم تحقق آن برای برپاسازی احکام اسلامی در جامعه، نخستین گام در جهت ساخت چنین شهری، تدوین بیانیه ارزشی شهراسلامی است.

در کتاب حاضر، به بازشناخت مفهوم شهراسلامی، بررسی نظریه‌های مطرح شده در این زمینه، ماهیت و مفهوم آن، شناخت تاریخی و رویکردهای شکل‌گیری این شهر و مفاهیم مربوط به آن در قرآن پرداخته و در انتها آیات و روایات مرتبط با شهرسازی، مورد بررسی قرار گرفته است. در حکومت جهانی حضرت مهدی(ع)، احکام الهی و قرآن، محور تمامی اندیشه‌ها، راهبردها و برنامه‌ریزی‌هاست و تمامی راهبردها در صورتی قابل پذیرش خواهند بود که با قرآن هماهنگ باشند. لذا براساس قرآن بیانیه ارزشی، چشم‌انداز و اهداف شهراسلامی در این نوشتار خواهد آمد.

در انتها بر خود وظیفه می‌دانیم از رهنمودهای دلسوزانه جناب استاد نقره‌کار و جناب آقای دکتر کی‌نژاد و نیز تمامی اساتید فرهیخته در حوزه معماری و شهرسازی اسلامی تشکر و قدرانی کنیم که همواره با لطف بی‌پایان خود هدایت‌گر نویسندگان در این حوزه بوده‌اند.

امید است کتاب انتشار یافته برای مخاطبان ارجمند مثمر و واقع‌گردد و ایشان، اشکالات را به دیده اغماض بنگرند.

شهر اسلام و نظریه‌ها

۱۰۰

۱- زمینه‌های فکری و تاریخی انتساب شهر به اسلام

وقتی می‌توان صفت اسلامی را به یک شیء انسان ساخته اطلاق نمود که آن شیء، بر اساس تعالیم اسلامی به وجود آمده و به‌گونه‌ای در خدمت انسان قرار گرفته باشد که در عین پاسخگویی به نیازهای مادی او، وی را به سمت ارزش‌های اسلامی هدایت نماید.^۱ (نقی زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۰)

در مورد پیشینه اطلاق صفت «اسلامی» به شهر، می‌توان گفت که رواج تعبیر شهر اسلامی برای مجتمع‌های زیستی مسلمانان، با این فرض که از نظر کالبدی، تجلی خاصی از اصول و ارزش‌های اسلامی بوده و به این ترتیب از مجتمع‌های زیستی سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها متمایز می‌باشند، از قرن نوزدهم میلادی و به وسیله شرق‌شناسان آغاز شد. (همان: ۱۱۸) اما باقری معتقد است که از نظر زمانی، توجه متمرکز و حرفه‌ای اندیشمندان غربی به موضوع شهر و شهرسازی اسلامی، از اوایل قرن بیستم بوده است. (باقری، ۱۳۸۶: ۱۵) مضاف بر جنبه‌های معنایی شهر اسلامی که بر اساس اصول و تعالیم اسلامی است، ظاهر و کالبد شهر نیز باید آئینه‌ای باشد که اصول اسلامی را به تصویر کشد.

۱- اسلام دینی است که برنامه و پیام آن، ابعاد مختلف حیات انسان را شامل شده و دربرگیرنده مقررات و آدابی است که تمام ابعاد زندگی او را احاطه کرده و هدف آن تربیت انسان کامل است. زیربنای توحیدی اسلام، سلسله مراتبی از شناخت را در تمام ابعاد زندگی انسان، از امور عادی تا عالی‌ترین شکل، ارائه داده و حقیقت را منعکس می‌سازد. (محمدزاده،

«... شهراسلامی، یعنی شهری که در آن، جریان حیات مدنی مبتنی بر موازین و فرهنگ دینی است و باید صورتی از کالبد شهری را محقق نماید که آسایش، امنیت، طراوت و شادابی شهروندان متدین، حاصل آن، و خلاف آن با عدم امنیت، کدورت و ناهمواری مواجه باشد. شهر اسلامی در مرتبه نخست، موقوف به حیات مدنی دینی است و به دنبال آن، صورت کالبدی شهر مطرح می‌شود...» (حبیبی، ۱۳۸۵: ۲۵۸)

سراغاز عینی تغییر از مدیریت قبیله‌ای به مدیریت شهری و خلق مفهوم شهروندی در اسلام، در شهر پیامبر، مدینه، است. پس از آن است که به جای شنیدن نام قبایل، با نام‌هایی از قبیل اهل مدینه، اهل قبا و اهل طائف مواجه می‌شویم و چنین نام‌هایی بیانگر تحولات فرهنگی و روی آوردن به شهرنشینی است. (عثمان، ۱۳۷۶: ۵)

پیامبر با ورود به یثرب، تغییر نام آن به «مدینه النبی» را می‌پذیرند. این نخستین باری بود که صفتی مترادف با اسلامی بودن به شهری اطلاق شد؛ چراکه پیامبر (ص)، خود نماد اسلام و اسوه حسنه مسلمانان بودند.

سرزمین مسلمانان،^۱ «دارالسلام»^۲ یا «خانه صلح» خوانده می‌شد که به یک تعبیر، اشاره به استقرار حالت آرامش معنوی و پذیرش صلح و سلام در بین افراد آن دارد. اسلام، یک ایدئولوژی جدید، برای پی‌ریزی جامعه‌ای تازه به شمار می‌رفت و معیاری چون «وجود سلطه سیاسی ایدئولوژیکی»^۳ اش بنیان مناسبی برای طبقه‌بندی شهرها و تمیز جوامع گوناگون به شمار می‌آمد و مسائل پیچیده تمدن‌های پیشرفته، از جمله تفاوت‌های نژادی، اجتماعی و یا اقتصادی در آن نقشی نداشت. (ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۱۴)

از گذشته تا به حال، درباره مفهوم شهر و شهرنشینی، ویژگی شهر، ماهیت و چیستی شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلفی مطرح گردیده است. (باقری، ۱۳۸۶: ۱۰)

۱- امام زین‌العابدین (ع) در دعای خویش برای مرزداران، صراحتاً به مرزهای مسلمان اشاره می‌فرماید. (صحیفه سجاده، دعای ۲۷، فراز ۱: ۱۸۰) در فراز هفتم همین دعا، استواری شهرهای مسلمانان را از خداوند مسئلت می‌فرماید «و حصن به دیارهم». در دعای طلب باران (همان، دعای ۱۹، فراز ۲: ۱۲۶) نیز عرضه می‌دارد: «بار خدایا! تودین خود را در هر زمان و روزگاری به وسيله امامی که او را برای بندگانت علامت و در شهرهایت نشانه، برپا داشته‌ای». (همان، دعای ۴۷، فراز ۶: ۳۳۶)

۲- صلح و آرامش در قرآن مجید و روایات معصومین (ع) به «سلام» تعبیر شده است. سلام از ریشه «سَلَمَ» به معنای رهایی از آفات و بیماری‌های ظاهری و باطنی است. کلمه سلام در معنی، نزدیک به کلمه «امن» است. (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۲۶)

در مورد شهرهای قلمرو اسلام، پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته اما ابعاد این مطالعات، مکمل یکدیگر نبوده و بحث‌ها بیشتر، جزئیات را مورد بررسی و توجه قرار داده و رابطه میان اجزا را با مجموعه کلی در نظر گرفته‌اند. بخش وسیعی از پژوهش‌های انجام شده، در سطح توصیف باقی مانده، چندان تحلیلی نیستند و در مجموع نگرش آنها به شهراسلامی، مقاطع خاصی از تاریخ و مکان‌های خاصی را در بر گرفته است. از طرفی، مطالعات انجام شده در مورد شهرهای اسلامی، تا حدود زیادی متأثر از چارچوب مفاهیم و قوانین اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر شهرهای غربی و مطابق با موازین و معیارهای مطالعه شهرهای غربی انجام شده است.

در دهه اول قرن بیستم، حضور استعمار فرانسه در شمال آفریقا، مصادف با توجه نویسندگان و پژوهشگران آن کشور به خصوصیات ویژه شهرهای اسلامی در آن منطقه شد که حاصل آن، درج مقالاتی چند درباره «شهرنشینی مسلمانان» بود. در اغلب این نوشته‌های آغازین، اسلام عامل مؤثر در شکل‌گیری کالبدی شهر تلقی نشده و کانون توجه، بیشتر تأثیر اقلیم، ساختار عشیرتی، نیازهای دفاعی و تجاری در بافت شهر بوده است.^۱ این محققان، اغلب از اصطلاح «شهرهای مسلمانان» سود جسته و آن را با شهرهای اروپایی و غربی مقایسه کرده‌اند. (ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۱۶)

شاید بتوان گفت که مفهوم «شهراسلامی» را ماریسی^۲ خلق کرده است؛ چون در آثار نظری پیش از او هیچ اثری از این مفهوم دیده نمی‌شود. تمدن اسلامی، بیش از هر چیز با حیات شهری پیوندی نزدیک داشته است. متون کهن، نمایانگر مذموم بودن بدویت در نزد پیامبر اسلام و اصل و نسب شهری نخستین مبلغان اسلامی است که از شهرنشینان قدیمی شبه جزیره عربستان بودند. (اسلامی و همکاران، ۱۳۷۵: ۲۲)

با توجه به تنوع دیدگاه‌ها و برداشت‌ها از مفهوم و اصطلاح شهراسلامی، منابع موجود در این زمینه نیز بسیار متنوع و پراکنده است. برخی از منابع به مطالعه موردی شهراسلامی پرداخته‌اند؛ نظیر مطالعه شهر فارس، قاهره، دمشق و غیره. برخی منابع به مطالعه ویژگی‌ها و عناصر تشکیل دهنده شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی پرداخته و همین‌طور تعدادی از منابع، مطالعات تاریخی را شامل می‌شوند. برخی منابع نیز شهراسلامی را به عنوان شهردینی مطرح نموده و به ویژگی‌های

۱- ابولقد اسلام را در کنار عوامل جغرافیایی و تاریخی مؤثر در شکل‌گیری شهرهای اسلامی در نظر می‌گیرد. وی معتقد است که بین شهرهای اسلامی در گستره فرهنگ‌های مختلف، تفاوت‌هایی وجود دارد. این تفاوت‌ها ریشه در گوناگونی‌های جغرافیایی، تاریخی و نهادی مناطق اسلامی دارد و اسلام تنها یکی از عوامل ایجادکننده تفاوت بین شهرهای اسلامی است. (Abo. Loghod, ۱۹۸۹)

ذکرشده از شهر در قرآن و آرمان شهر دینی و شهر منتظران پرداخته‌اند. به‌طورکلی می‌توان گفت که تحقیقات انجام‌شده در مورد شهرهای اسلامی، بیشتر به‌صورت مطالعه موردی، تاریخی و توصیفی بوده است. (باقری، ۱۳۸۶: ۱۵)

مؤلفان جدید، مطالعات خویش را اغلب بر نوشته‌های این مورخان و جغرافی‌دانان کهن عرب استوار داشته‌اند و فرض اساسی آنها بر این بوده که اسلام یک دین شهری است؛ چراکه مؤمن فقط در یک شهر می‌تواند همه واجبات قرآن و شریعت را بجا آورد. (اسلامی و همکاران، ۱۳۷۵: ۲۲) پس شهر، بستر اسلام و تمامی ارکان آن است.

نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و تئوری‌های ارائه‌شده از طرف صاحب‌نظران، شرق‌شناسان، ایران‌شناسان و غربی‌ها، درباره شهر در قلمرو و فرهنگ اسلامی، قابل توجه است. در این مجال به‌طور خلاصه به بررسی این موارد می‌پردازیم.

باقری (۱۳۸۶)، کلیه این نظریات را در دو دسته یا طبقه اصلی قرار داده است:

الف - نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی که با مفهوم شهر و شهرنشینی و ویژگی‌های خاص شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی موافق‌اند. این دسته از نظریه‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

- ۱- نظریه‌هایی که شهر را حاصل فرهنگ و تمدن اسلامی می‌دانند.
- ۲- نظریه‌هایی که به وجود رابطه میان ایمان اسلامی، زندگی شهری و شهرنشینی معتقدند و اسلام را دینی شهری می‌دانند.

ب - نظریه‌هایی که با مفهوم شهر، شهرنشینی و ویژگی‌های خاص شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی موافق نیستند. این دسته از نظریه‌ها نیز شهر اسلامی را تقلیدی از شهرهای قدیمی رومی و یونانی و یا فاقد استمرار تاریخی دانسته، اسلام را دینی شهری نمی‌دانند. (باقری، ۱۳۸۶: ۱۶)

نگارنده نیز این نظریات را در دو دسته اصلی قرار داده است:

الف - نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی که با مفهوم شهر، شهرنشینی و ویژگی‌های خاص شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی موافق‌اند و به سه گروه تقسیم می‌شوند:

- ۱- شهر اسلامی، حاصل فرهنگ و تمدن اسلامی؛
- ۲- شهر اسلامی، حاصل رابطه ایمان اسلامی و زندگی شهری؛
- ۳- شهر اسلامی، حاصل رابطه میان حقوق اسلامی و وقف.

ب- نظریه‌هایی که با مفهوم شهر، شهرنشینی و ویژگی‌های خاص شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی موافق نیستند که به هفده گروه تقسیم می‌شوند:

- ۱- شهراسلامی، تقلیدی از شهرهای قدیمی رومی و یونانی؛
- ۲- شهراسلامی، شهری فاقد تأسیسات خدمات عمومی؛
- ۳- شهراسلامی، شهری فاقد نهادهای رسمی حقوقی؛
- ۴- توجه به شهراسلامی، تنها از جنبه دینی و عدم توجه به بُعد سیاسی؛
- ۵- شهراسلامی، فقط به عنوان یک مرکز فرهنگی؛
- ۶- شهراسلامی، شهری فاقد تشکیلات اداری، با عدم تمایز حقوق شهرنشینان از حقوق روستائیان؛
- ۷- شهراسلامی، فاقد اصول برنامه‌ریزی ثابت برای طراحی؛
- ۸- آرایش آشفته و بی‌نظم شهراسلامی به علت نبود مرجع قدرت مدنی؛
- ۹- شهراسلامی، یک شهر سنتی در تقابل با مدرنیته؛
- ۱۰- شهراسلامی، شهری فاقد کیفیت ساختاری؛
- ۱۱- شهر «شرقی»، صفتی مناسب برای شهر در اسلام؛
- ۱۲- شهراسلامی، فاقد شرایط اساسی یک شهر؛
- ۱۳- شهراسلامی، شهری فاقد تداوم و استمرار تاریخی؛
- ۱۴- شهراسلامی، شهری فاقد شکل‌گیری؛
- ۱۵- شهراسلامی، حاصل جبر جغرافیایی و همسانی‌های اقلیمی؛
- ۱۶- شهراسلامی، شهری با ساختار سست و بی‌قاعده؛
- ۱۷- شهراسلامی، فاقد مفهوم اسطوره‌ای.

باقری (۱۳۸۶) نظریات ارائه شده مربوط به ماهیت و مفهوم شهراسلامی را به سه دسته تقسیم کرده است:

- دیدگاه اول: شهراسلامی به عنوان شهر دینی؛

- دیدگاه دوم: شهراسلامی، شهری براساس قوانین و دستورات اسلام؛
- دیدگاه سوم: شهراسلامی، حاصل و دستاورد فرهنگ و تمدن اسلامی.
- نگارنده، دیدگاه چهارم با عنوان زیر را به تقسیم‌بندی فوق افزوده است:
- دیدگاه چهارم: شهراسلامی، شهرانسانی.

۱-۱- نظریه‌های موافق با مفهوم شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی

۱- شهراسلامی، حاصل فرهنگ و تمدن اسلامی

برخی شرق‌شناسان، اسلام را شهری‌ترین دین خوانده و تمایلات شهری قوانین شرع مقدس را دلیلی بر این گرایش دانسته‌اند... کمتر تمدنی به اندازه تمدن مسلمانان به بنای نوشهرها پرداخته است. (باقری، ۱۳۸۶: ۱۹) مسلمانان، شهرهای جدید را به مجموعه شهرهای موجود آن دوره افزودند و ضامن توسعه جوامع شهری گردیدند؛ تا آنجا که نیمی از بناهای جدید شهری در مغرب زمین پی‌ریزی شد. (همان: ۲۳)

علل رویکرد اسلام به تشکیل حکومت و گسترش تمدن شهر و فرهنگ شهرنشینی پربار و انسانی و به‌طورکلی، شهرگرایی و نحوه آرایش فضایی و برخورد همه‌جانبه با جامعه و شهر را باید در ذات اسلام و بلندمرتبه کردن سطح زندگی انسان در آن جستجو کرد. (باقری، ۱۳۸۶: ۲۳)

اسلام در اساس خود، دینی شهری است؛ چراکه احکام آن برای آنکه مجال بروز بیابند، نیازمند اجتماعی ساخته و پرداخته جهان‌بینی این دین هستند. بنابراین، مسلمانان به ساخت نوشهرهایی هماهنگ با ایدئولوژی خود پرداخته و توجهی خاص به این مهم معطوف کردند.

۲- شهراسلامی، حاصل رابطه میان ایمان اسلامی و زندگی شهری

اسلام تمدنی بنیادگر، سازنده و شهری بوده^۱ (سنیاسور، ۱۳۶۶: ۲۰) و ازجمله ادیانی است که در شهر، شکل گرفته و نسبت به شهرنشینی^۲ نظر مساعد و حتی ترکیب‌کننده دارد؛ در نتیجه نمی‌تواند نسبت به موضوعات مختلف مرتبط با شهر بی‌تفاوت باشد. یکی از نمادها و نشانه‌های

۱- (شوری: ۵) و (توبه: ۹۸)

۲- فرض اساسی آنان این است که اسلام یک دین شهری است؛ چراکه مؤمن فقط در یک شهر می‌تواند همه واجبات قرآن و شریعت را به جای آورد. این فرض، حاصل برداشتی از یک متن قدیمی نوشته ویلیام ماری است. (باقری، ۱۳۸۶: ۲۷)

هویت‌دهنده و تعریف‌کننده تمدن اسلامی، وجود مدینه اسلامی به عنوان زندگی مدینه‌نشینان و ظرف فعالیتشان است.

مطالعه در متون اسلامی^۱ نیز تأکید اسلام به این موضوع را نشان می‌دهد. چنانچه علامه طباطبائی (ره) در تفسیر آیات سوره نحل می‌فرماید: «این آیه فصل دیگری از نعمت‌های الهی را برمی‌شمارد و آن نعمت دریاها، کوه‌ها، شهرها، راه‌ها و علائم است. خداوند در آیات ۱۰۲-۹۳ سوره یوسف می‌فرماید: «تمام شدن نعمت بر یوسف همین بود که او و اهل بیتش را از زندگی صحرائشینی به شهر بیاورد». (طباطبائی، ۱۳۶۲، ج ۲۴: ۵۵)

کوچ‌نشینی بدوی، بستر اجتماعی جاهلیت بود و عرب بدوی، زندگی شهرنشینی را تحقیر می‌کرد. (خویی، ۱۳۷۶: ۲۰۱) در اندیشه رسول اکرم (ص)، ساختار سنتی قبیله‌ای و تعصبات قومی، مانعی برای اتحاد، وحدت و تشکیل جامعه نوپای اسلامی بوده و حضرت برای تقویت ساختار شهر مدینه تلاش‌های مستقیم و غیرمستقیم بسیاری انجام دادند؛ از جمله آنها می‌توان واجب نمودن هجرت و خارج کردن افراد از تعرب به شهرنشینی (از کوچ‌نشینی به یکجانشینی) و تحریم شرعی رجوع مجدد به بادیه (تعرب) را نام برد. (خامنه‌ای، بی‌تا: ۳۱۳) هجرت سبب تحول نظام قبیله‌ای و قومی و حرکت در راستای تشکیل امت واحد اسلامی در محیط شهری مدینه^۲ و آغاز اصلاحات رسول اکرم (ص) در جامعه و موجب شکل‌گیری تمدن اسلامی گردید. مسئله

۱- امام علی (ع)، در مورد موضوعات گوناگون مرتبط با شهر و محیط زندگی، نکات مناسب و لازم را به اصحاب خویش متذکر می‌گردد؛ اوج آن در فرمان ایشان به مالک اشتر مشاهده می‌شود، آنجا که می‌فرماید: «این فرمانی است از بنده خدا...، به مالک بن الحارث الاشر.؛ هنگامی که او را فرمانروایی مصر داد تا خراج آنجا را گردآوری و با دشمنانش پیکار کند و کار مردمش را به صلاح آورد و شهرهایش را آباد سازد». (دشتی، ۱۳۷۸، نامه ۵۳: ۷۱۹) در عین توجه به آبادانی، امام (ع) به جنبه‌های معنوی توجه داشته، می‌فرماید: «مهربانی به رعیت و دوست داشتن آنها و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز؛ زیرا آنان دو گروه‌اند: یا هم‌کیشان تو هستند یا همانندان تو در آفرینش». (همان: ۷۲۱) به علاوه اینکه، ایشان آبادانی زمین را مهم‌تر از اخذ خراج می‌داند و می‌فرماید: «ولی باید بیش از تحصیل خراج، در اندیشه زمین باشیم؛ زیرا خراج حاصل نشود مگر به آبادانی زمین و هر که خراج را ندهد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده و کارش استقامت نیابد. مگر اندکی (زیرا که) چون بلاد آباد گردد، هر چه بر عهده مردمش نهی، انجام دهند که ویرانی زمین را تنگدستی مردم آن سبب شود... و از آنچه مایه عبرت است، سود برنگیرند». (همان: ۷۳۷)

۲- اسلام، دینی که در قریه مکه پا به عرصه نهاد و با هجرت پیامبر گرامی، خاتم این دین، یثرب را در شبه جزیره عربی به مرکزیتی برای مدنیت و تمدن تبدیل کرد، بیش از هر دین و آئینی به شهر و شهروندی عنایت دارد. در قرآن کریم، دو کلمه اعرابی و عربی به معنی بادیه‌نشینی و شهرنشینی، مژده خروج از بدویت و ورود به تمدن و مدنیت را می‌دهد. (ترنر، ۱۳۸۰: ۲۶)

هجرت نیز با آیه ۹۷ سوره نسا، تأکید و سفارش و امر گردید. ^۱ بیشتر اسلام پژوهان، با قضاوت گرون بام ^۲ موافق اند که دین محمد (ص) کاملاً با زندگی شهری تناسب دارد. (ترنر^۳، ۱۳۸۰: ۸۰)

در اسلام، عامل اصلی و اولیه زندگی اجتماعی بر قوانینی استوار است که در قرآن و حدیث ذکر شده است. (توشی یو، ۱۹۸۹: ۲۹۶) در تاریخ خاورمیانه یا مکاتب اسلامی، شریعت و امت، دو عنصر اصلی تشکیل دهنده جامعه اسلامی، به شمار می‌روند. توحید، شریعت و امت بسیار به یکدیگر نزدیک اند و می‌توان آنها را سه قطب پرجذبه‌ای نامید که اساس دین اسلام را تشکیل می‌دهند. هریک از این اجزا، وظیفه رسیدن به اصالت مذهبی، امور شرعی و روابط اجتماعی را بر عهده دارند. (همان: ۲۹۴)

۳- شهر اسلامی، حاصل رابطه حقوق اسلامی و وقف

حقوق نیز یکی از قلمروهای مهم کلیه مطالعات مربوط به جهان اسلام است؛ همچنین این علم، نقش قاطعی در تبیین مفهوم اسلامی در باب طراحی شهری دارد. رابرت برونشویگ ^۴ مفهوم حقوق عرفی را که شهر اسلامی بر اساس آن شکل گرفته، تبیین کرد؛ این مجموعه، با قوانین جهان کلاسیک باستان تفاوت بسیار داشت. حقوق عرفی به صورت مواد قانونی تدوین نشده بود و به همین دلیل، تفاسیر گوناگونی را برمی‌تافت که شکل متفاوتی را به شهر می‌بخشید. (اسلامی و همکاران، ۱۳۷۵: ۲۳)

مارسی پس از بررسی شهرهای جدیدی که خاندان‌های حاکم عرب تأسیس کرده بودند، به این نتیجه رسید که تمدن اسلامی تنها از مؤمنان تشکیل نشده، بلکه جامعه‌ای ناهمگن است که اصول قرآن در آن جاری است. (همان: ۲۲)

بینت ^۵ می‌گوید: «اسلام، دین تمدن است و نقش فعالی در بازسازی تمدنی دارد که در شهر اسلامی، جلوه پیدا می‌کند. وی ضمن اشاره به ضرورت مرتبط دانستن اسلام با اصول شهرسازی

۱- «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا»؛ کسانی که بر خویششان ستمکار بوده اند، [وقتی] فرشتگان جانشان را می‌گیرند، می‌گویند در چه [حال] بودید؟ پاسخ می‌دهند ما در زمین از مستضعفان بودیم، می‌گویند مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید پس آنان جایگاهشان دوزخ است و [دوزخ] بد سرانجامی است. (نسا: ۹۷)

۲- گوستا و ون گرون بام G van G runebaum

3- Turner

4- Robert Brvnshvyg

5- Bennett

اسلامی، تعریفی را که فقه^۱ از شهر دارد مورد استشهاد قرار می‌دهد. (کیانی، ۱۳۸۷: ۳)

اسلام، دینی شهری پنداشته می‌شود که با زندگی شهری هماهنگ شده و مقرراتی برای تنظیم جوامع شهری ارائه می‌کند.^۲ بنابراین نخستین عامل تعیین‌کننده شکل شهر در نظر گرفته می‌شود. (جهانگیر^۲، ۲۰۰۴)

حکیم بر این باور است که «ریشه‌های نظم و یکپارچگی موجود در اکثر شهرهای جهان اسلام، به‌طور عمده به ارتباط بخش‌ها و ترکیب نظام‌مند ناشی از آن قابل استناد است که به واسطه مجموعه‌ای از راهبردها و اصول ساختمانی، به وجود آمده و حفظ می‌شوند. این مجموعه، محصول فقه است؛ سازوکاری که نظام ارزشی شریعت را در چارچوب فرآیند ساخت‌وساز و توسعه شهری تفسیر نموده و به کار می‌بندند. از این رو، تمام شهرهای جهان عرب و اسلام دارای هویت اسلامی مشترک‌اند». (حکیم، ۱۳۸۱: ۳۶۱)

مفهوم وقف از تعالیم و احادیث نبوی نشأت گرفته است.^۴ (همان: ۲۹۰) دین اسلام، فضاهای خاصی را پدید آورد که نشأت گرفته از سنت نبوی وقف بود. تأثیر این جهان‌بینی در شکل‌گیری فضاهای شهری، با توجه به تعریف آن انکارناپذیر است. این نوع حرکات جهان‌بینانه، چنان در تمام شئون زندگی ریشه دوانده که می‌توان از آن به‌عنوان نظامی^۵ یاد کرد که اثرات گسترده‌ای در

۱- «فقه» در لغت به معنی فهم است؛ اما فهم عمیق. در تعریف فقها، عبارت است از علم به احکام فرعی شرع اسلام (مسائل اصول اعتقادی یا تربیتی از این حوزه خارج است) از روی منابع و ادله تفضیلی. منابع فقه از نظر شیعه (به استثنای گروه قلیلی به نام «اخباریون») چهار منبع است: قرآن، سنت، اجماع و عقل. این چهار منبع در اصطلاح فقها و اصولیین «ادله اربعه» خوانده می‌شوند. (مطهری، ۱۳۸۱: ۳۵۴-۲۷۲)

۲- در احکام کتاب آسمانی، تا حدی ساختار خود شهر قابل مشاهده است. شهر اسلامی عبارت است از مکانی که در آن می‌توان مسجدی برای نماز جماعت (و شنیدن خطبه)، حمامی برای غسل و آماده شدن برای نماز جمعه و مجموعه‌ای از گذرهای تجاری (سوق) که برای داد و ستد و مبادله اطلاعات مناسب‌اند، یافت. عناصر مقدس، مرکز شهر را می‌ساختند که سازه‌های ثانوی اما مکمل چون بازار و دیگر تسهیلات شهری به دور آن شکل می‌گرفت. (اسلامی و همکاران، ۱۳۷۵: ۲۳) 3- Cihangir

۴- غربی‌ها، بعد از آنکه با تمدن اسلامی آشنایی حاصل کردند و وقف را شناختند، مؤسساتی چون انجלו سکونیه را مبنی بر وقف در فقه اسلامی تأسیس نمودند؛ ولی آنان هدف این عمل خویش را محض نفع دنیوی قرار دادند که با آخرت و ثواب آن ربطی نداشت. مشهورترین وقف در آمریکا، وقف «جون اوکیسفلیور» است. (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۲)

۵- موقوفات در تأسیس و تداوم حیات نهادها و مراکز فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تأثیر فراوانی داشته و توانسته‌اند در دوره‌های مختلف تاریخ، منشأ حرکت‌های مؤثری باشند. پیوستگی وقف با اسلام و به عبارتی پشتوانه‌های دینی آن، باعث می‌شود که توجه شایانی از سوی جامعه نسبت به آن به عمل آید. در تاریخ، مدارس علمیه، مساجد، تکایا، حسینیه‌ها و حتی کاروانسراها، حمام‌ها و بازارچه‌های بسیاری دیده می‌شود که محصول وقف‌اند. بی‌تردید هریک از این نهادها و مراکز، در شکل‌گیری نظام فکری و عملی جامعه، نقش حائز اهمیتی داشته‌اند. (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۹)

فضاهای شهری و به خصوص نقش همه جانبه‌ای از نظر آفرینش پایدار فضاهای زیستی، آموزشی^۱ و مذهبی داشته است.^۲

به طور کلی، نقش وقف در حیات جوامع انسانی آن چنان وسیع و گسترده است که باید از آن به عنوان یک «نظام»^۳ نام برد که تمام ابعاد و جنبه‌های مختلف یک جامعه انسانی را شامل می‌شود و کمتراوری از جامعه را می‌توان یافت که از پوشش نظام وقف خارج باشد. (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۱) باور انسان‌ها، بهره‌وری، عزت نفس، توانمندسازی، احساس تعلق به جامعه، حقوق انسان‌ها، پویایی مناسبات فرهنگی، مشارکت و... از کارکردهای فردی و روانی غیرقابل انکار وقف است.

۱- علم‌آموزی یکی از سفارش‌های اکید دین مبین اسلام است. بنای مدرسه، در میان فضاهای بازار طراحی شده و برای تربیت فرزندان افراد بافت موجود بازار نقش مهمی داشت. ضمن اینکه این مدارس و دیگر بناهای دینی، خود در بازارها جهت ادامه فعالیت دارای موقوفاتی بودند و از حمایت‌های بازاریان و مسلمانان نیز بهره‌مند می‌شدند؛ که در واقع سودمندی متقابلی را در پی داشت. مدارس در امر ارتقاء دانش سکنه شهر، دارای اهمیت خاصی بودند. به طوری که با نگاهی به مجموعه‌های معماری می‌توان به سادگی، حقیقت آن را دریافت. برای نمونه در مجموعه میدان خان یزد (دارالعباده) وجود حداقل چهار مدرسه را شاهدیم که با تعداد مساجد موجود برابری می‌کنند؛ از جمله مدرسه شفیعیه، مدرسه ملا اسماعیل، مدرسه خان، مدرسه عبدالرحیم در مقابل چهار مسجد به نام‌های مسجد بیاق خان، مسجد ریگ، مسجد ملا اسماعیل و مسجد دروازه مهریز. (شکاری نیری، ۱۳۸۰: ۳۶۸)

۲- چون به ایران پس از اسلام می‌نگریم، اگرچه تا چندین سده نشانه‌ای آشکار و پایدار از وقف بر جای نمانده، ولی نشانه‌هایی در نوشته‌های سده‌های چهارم و پنجم از بخشندگی بزرگان در تاریخ‌ها و سروده‌ها دیده می‌شود که نشان می‌دهد مساجد، زیارتگاه‌ها، خانقاه‌ها، مدارس و نظامیه‌ها، از محل درآمد اوقاف و بخشندگی مردمی ساخته می‌شدند. در سده پنجم، توجه شاهان به ساختن خانقاه و خورشخانه و رباط، بیشتر چشمگیر است و به سبب وجود این امکانات، عرفا و صوفیان بالیدند. (سالک بیرجندی، ۱۳۸۱: ۹۶) برای نمونه در قرن هفتم، موقوفات غازانی (شنب غازان) و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (ربع رشیدی) به گونه‌ای گسترده در نمودار فرهنگی و نیکوکاری در تبریز پدید آمدند که در شمار برجسته‌ترین و فراگیرترین موقوفات جای دارند. (همان: ۹۷)

سنت حسنه وقف، یکی از افتخارات مکتب اسلام و از اهرم‌های مؤثر اعتقادی و فرهنگی برای جبران نیازهای مادی و معنوی جامعه است. از صدها سال پیش تاکنون، واقفان خیراندیش با اختصاص بخشی از اموال خود برای خدمت مستمر به جامعه با روش پسندیده وقف، که بارزترین و روشن‌ترین مصداق احسان، انفاق، صدقه جاریه، تعاون و باقیات صالحات است، منشأ خدمات فراوان علمی، آموزشی و فرهنگی در جامعه بوده‌اند. وجود صدها مدرسه و کتابخانه در سراسر کشورهای اسلامی، به ویژه ایران، بهترین گواه و شاهد آن است. (پورارشد، ۱۳۸۰: ۷۰) این سنت، املاک و آبادی‌های زیادی را وقف مراکز مذهبی کرد. (سلطان‌زاده، ۱۳۶۷: ۱۰۸)

۳- پیامبر (ص) فرمود: «انسانی که از دنیا می‌رود، جز از ناحیه سه چیز، پیوندش با دنیا قطع می‌شود؛ دانشی که از آن سود برده شود، یا صدقه جاری (وقف) و فرزند صالحی که برایش دعا کند (خیر و مغفرت بخواهد)». (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۵۳-۵۵۲)

۱-۲- نظریه‌های مخالف با مفهوم شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی

۱- شهراسلامی، تقلیدی از شهرهای قدیمی رومی و یونانی

برخی از محققان، با بررسی خصوصیات و ویژگی‌های شهراسلامی و مقایسه آنها با شهرهای کهن پیش از اسلام یا معاصر با آن، به این مهم دست یافته‌اند که خصوصیات مشترک میان آنها وجود دارد و نتیجه گرفته‌اند که شهرسازی اسلامی، از طرح معماری بیزانسی و ساسانی متأثر گردیده است. (باقری، ۱۳۸۶: ۳۸)

جالب آن است که مضمون بنیان‌گذاری در شرق، معنایی متفاوت با غرب دارد. کلود کاهن با استدلال، این موضع را تأیید کرده است که هیچ تفاوت چشمگیری میان شهرهای اسلامی، بیزانسی و ایتالیایی وجود نداشته و در قرن دهم میلادی، شهرهای کلاسیک باستانی با شهرهای مسلمان تفاوت چندانی نداشته‌اند. (اسلامی و همکاران، ۱۳۷۵: ۲۴)

براون معتقد است که «اگرچه مسلمانان ممکن است در برخی مناطق بیش از سایر ادیان مانند مسیحیت به ارزش‌ها و ارگان‌های مذهبی پایبند باشند، اما اینکه هر چیزی حتی شهر را برچسب اسلامی بزنیم، در واقع نسبت دادن یک واکنش فرهنگی ضعیف به مردمی است که اغلب دارای میراث فرهنگی غنی بوده‌اند». (براون، ۱۹۳۷)

کوبان به عنوان نمونه‌ای از تفکری که منکر تأثیر دین و به ویژه اسلام، در شکل‌گیری محیط فیزیکی است، منکر هرگونه ارتباط قوی و تأثیر جهان‌بینی اسلامی (به مثابه فلسفه حیات) و مفاهیم روحانی، معنوی و متافیزیکی آن با شکل‌گیری حیطه فیزیکی بوده و این‌گونه مطرح می‌نماید که «فرهنگ اسلامی در شکل دادن به محیط زندگی مسلمانان هیچ‌گونه نقشی ایفا ننموده و مهم‌ترین نقش توسط سوابق تاریخی و میراث اعمال می‌گردد». (کوبان^۱، ۱۹۸۰)

۲- شهراسلامی، شهری فاقد تأسیسات خدمات عمومی

برخی نظریه‌پردازان، از جمله استرن^۲، شهر دوران اسلامی را فاقد تأسیسات خدمات عمومی دانسته‌اند. علت این مسئله آن است که شهرهای اسلامی هیچ‌یک از تأسیسات مدنی تمدن‌های کهن، از قبیل تمدن یونانی و تمدن روم را به ارث نبرده‌اند، کما اینکه اسلام ماهیت ذاتی هیچ‌کدام از این مؤسسات را تکامل نبخشیده است. (باقری، ۱۳۸۶: ۴۴)

1 - Brown

2 - Kuban

3 - Stern

در اینجا با نگرشی مواجهمیم که از اساس، «شهر» نامیدن این زیستگاه‌ها را زیر سؤال برده و نام‌های دیگری بر آن می‌نهد. شاخه‌های گوناگون این نظریه، که بیشتر مبتنی بر نظرات ماکس وبر^۱ روییده است، به دلیل فقدان برخی نهادهای مدنی، به دیده تردید به شهر بودن سکونتگاه‌های سرزمین‌های اسلامی می‌نگرد. ماکس وبر^۲ از پنج وجه مشخص‌کننده شهر سخن می‌راند: ۱. استحکامات ۲. بازارها ۳. دادگاهی مستقل ۴. انجمن‌های شهری ۵. تا حدودی خودفرمانی. و بر این عقیده است که شهر به تمام معنی واجد این مشخصات، فقط در اروپا وجود داشته است و نه در آسیا؛ و از این پنج وجه مشخص‌کننده، شهر اسلامی حداقل فاقد دو وجه و به ویژه انجمن‌های خودفرمان شهروندان است. (توسلی، ۱۳۶۹: ۳۵۹)

۳- شهر اسلامی، شهری فاقد نهادهای رسمی حقوقی

برخی نظریه‌ها، شهر اسلامی را فاقد نهادهای رسمی دارای شخصیت حقوقی می‌دانند و بر این باورند که از نهادهای رسمی شهری عهد عتیق، هیچ چیز باقی نمانده بود. کثرت نهادهای رسمی دارای شخصیت حقوقی، اصناف و یا سلسله‌مراتب و نظام رهبانیت، شوراها و شهری و سایر نهادهای رسمی، خصیصه ویژه تمدن قرون وسطای مغرب زمین تلقی می‌شد و فقدان نهادهایی مشابه با سازمان‌های یادشده در اسلام قرون وسطی، امری است که به سایر تمدن‌های ماقبل صنعتی نیز قابل تعمیم است. (باقری، ۱۳۸۶: ۴۵)

۴- توجه به شهر اسلامی، تنها از جنبه دینی و عدم توجه به بعد سیاسی

برخی معتقدند که اسلام فقط از بُعد دینی به شهر توجه نموده است. هاموند^۳ (۱۹۷۲) می‌نویسد فرهنگ و تعالیم اسلام، ضد حرکت تمدن بود. هرچند وی اعتراف دارد که برخی از پایتخت‌های سرزمین‌های اسلامی به پیشرفت‌های بزرگی نائل آمده بودند، اما برداشت کلی این شخص از

1 - Max Weber

۲- اگرچه ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی (۱۹۲۰-۱۸۶۴م)، را نمی‌توان به عنوان نخستین محقق غربی به حساب آورد که شهرهای آسیایی و خاورمیانه را مورد مطالعه قرار داده است، اما روش رویارویی او، چارچوبی را در مطالعه شهرهای اسلامی و شکل‌گیری مفهوم شهر اسلامی برای شرق شناسان به وجود آورد. (هوشمند و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۲) مورخان و جامعه‌شناسان، زمان و نیروی بسیاری را صرف بحث درباره تفاوت شهرها در غرب و اسلام از دیدگاه ماکس وبر کرده‌اند. عقیده کلی و بر این است که تنها در اروپای مسیحی بود که شهر به راستی به یک «اجتماع شهری» یا «مجتمع» جدا از جامعه بزرگ تبدیل شد. (جی. دانتون، ۱۹۸۹: ۴۳) اما موضوع دیگری که ماکس وبر مطرح کرده، ماهیت فیزیکی شهر است که نتیجه تفاوت بین شهر مستقل غرب و شهر وابسته اسلامی است. (همان: ۴۴)

3 - Hammond

اسلام آنجا مشخص می‌شود که می‌گوید اسلام، شهر را فقط از بُعد دینی و مذهبی مورد توجه قرار می‌دهد نه از بُعد سیاسی^۱. (باقری، ۱۳۸۶: ۴۷)

۵- شهراسلامی فقط به عنوان یک مرکز فرهنگی

گروهی بر این باورند که هرچند شهرهای اسلامی، به نسبت منزوی، ناپایدار، فاقد رهبری و حکومت‌اند، ولی از تعدادی روابط مهم و فضائل مشترک و مقرراتی یکسان برخوردارند که وجه تمایز آن‌هاست. همین مسائل این امکان را برای آنها فراهم کرده است که بتوانند به عنوان مراکز فرهنگی به حیات خود ادامه دهند. (باقری، ۱۳۸۶: ۴۸)

۱- پاره‌ای از نظریه پردازان به مقایسه ویژگی‌های اجتماعی - سیاسی شهرهای اسلامی و غربی پرداخته‌اند که در جدول زیر ارائه شده است.

جدول (۱) ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی شهرهای اسلامی و غربی (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰)

ردیف	شهر اسلامی	شهر غربی
۱	ایجاد تشکلی‌های صنفی توسط اصناف	ایجاد تشکلی‌های صنفی توسط اصناف
۲	کنترل اصناف توسط حاکمیت	استقلال اصناف از حکومت
۳	تسهیل کنترل پیشه‌ها و دریافت مالیات از آن‌ها توسط اصناف	دفاع از منافع اقتصادی اعضا توسط اصناف
۴	وحدت ساکنان شهر در محدوده محله‌ها	وحدت ساکنان شهر در محدوده شهر
۵	اهمیت مذهب در پیدایش همبستگی و خصومت اجتماعی	اهمیت حقوق شهروندی در ایجاد همبستگی اجتماعی
۶	تسلط حکومت بر اداره شهر	استقلال اداره شهر در چارچوب حاکمیت ملی
۷	انتخاب مدیران شهر توسط حاکم شهر	مشارکت شهروندان در انتخاب مدیران شهر
۸	تفکیک جنسیتی و ایجاد حریم شخصی در فضاهای خصوصی و عمومی	عدم تفکیک جنسیتی در فضاهای عمومی و خصوصی
۹	محدود شدن فضاهای عمومی در شهرها به مسجد و دارالحکومه	وجود فضاهای عمومی متعدد برای تفریح، سرگرمی، ورزش و جشن در شهرها
۱۰	حضور کمتر زنان در فضاهای عمومی	نبود محدودیت برای زنان در فضاهای عمومی

۶- شهر اسلامی، شهری فاقد تشکیلات اداری، با عدم تمایز حقوق شهرنشینان از حقوق روستائیان

برخی معتقدند که گرچه شهرها در تمدن اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند، ولی به دلایل مختلف، از جمله حضور محسوس کوچ‌نشینان و عدم تمایز حقوق شهرنشینان از حقوق روستائیان، شهرها هرگز دارای تشکیلات اداری نظیر اروپای مسیحی نشدند. این فقدان، اثر خود را در شکل‌گیری ساختار شهرها بجا گذاشت. (باقری، ۱۳۸۶: ۴۸)

ژرژ مارسسی، در ادامه نظریات ویلیام مارسسی^۱، در مقاله خود، تناقض میان دو مسئله را خاطر نشان ساخت؛ دینی که چادرنشینان به وجود آورده و اشاعه داده‌اند و سرشت آن که با یکجانشینی آمیخته است. (اسلامی و همکاران، ۱۳۷۵: ۲۳)

البته فقدان چنین تشکیلاتی، با نظام‌های متعدد و بزرگی که با مکانیسم‌های عام‌المنفعه، نظیر وقف، اداره می‌شدند، تا حدی جبران می‌شده است. همچنین برخی معتقدند که نهادهای معینی وجود داشته‌اند که بی‌نظمی فرهنگ شهر اسلامی را کاهش می‌دادند. بالاتر از همه، شریعت از لحاظ نظری، مجموعه عامی از قواعد را فراهم می‌ساخت که مسلمانان را به یکدیگر پیوند می‌داد. (باقری، ۱۳۸۶: ۴۹)

۷- شهر اسلامی، فاقد اصول برنامه‌ریزی ثابت برای طراحی

این نظریه‌ها بیان می‌دارند که برخلاف شهرهای قرون وسطای روم و اروپا، برنامه‌ریزی شهرهای اسلامی دچار هرج و مرج شده و خالی از وحدت ترکیب بوده‌اند. این قبیل نظریه‌ها، نخست توسط سواژه مطرح شد و سپس از طرف گرونباوم و پلانول تکرار شد. به نظر می‌رسد که چنین برداشتی ناشی از آن است که این پژوهشگران خواسته‌اند شهرهای اسلامی را از دیدگاه اروپایی مورد مطالعه قرار دهند. آشنا نبودن به اصول و قواعدی که بر برنامه‌ریزی شهری در اسلام حاکم بوده نیز، در این نتیجه‌گیری بی‌تأثیر نبوده است؛ به خصوص که خود آنان اقرار کرده‌اند که تأثیر فرهنگ اسلامی به برنامه‌ریزی منازل مسکونی منحصر می‌شده است. (باقری، ۱۳۸۶: ۴۹)

۸- آرایش آشفته و بی‌نظم شهر اسلامی به علت نبود مرجع قدرت مدنی

گوستاو فن گرونباوم^۲ از کار برداران مارسسی الهام گرفته بود؛ چون در مدل فضایی شهر و سازه‌های

1- Georges

2- Gvstavfn Grvnbaum